



امید به بهبود کیفیت جشنواره فیلم فجر از نگاه سینماگران

## فجر از بی توجهی به مفاهیم ارزشی تا فقدان ریل گذاری اصولی

تعدادی از سینماگران برجسته کشور و برگزیدگان پیشین جشنواره فیلم فجر ضمن اعلام نظرات و خاطرات خود از جشنواره فیلم فجر به ارائه راهکارهایی برای بهبود وضعیت نامناسب فعلی این مهم‌ترین رویداد سینمایی کشور به‌ساخت‌هاست با انتقاد جدی از سوی برخی کارشناسان، صاحب‌نظران و اهالی سینما رویه‌ور شده‌است پرداختند. به‌گزارش سینما پرس،سینماگران کشورمان باانتقاد از دوباره شدن بخش‌های ملی و جهانی متذکر شدند:کاستی‌هاو کمبودهای زیادی در جشنواره فجر به‌وجود آمده‌است. همچنین بی‌توجهی به مفاهیم ارزشی، تهی بودن جشنواره از آثار انقلابی، فقدان ریل گذاری اصولی، سیاست‌زدگی و اعمال سلیقه دبیران مختلف جشنواره فیلم فجر باعث شده تا لاج و قرب آن کم‌رنگ شود.

**تفرخ خلاف گذشته، جشنواره باعث تفرقه‌اهالی سینمای می‌شود!**

حسینا زندنیف کارگردان و تدوینگر پیشکسوت سینمای ایران و برنده چهارسیمرغ بلورین از جشنواره فیلم فجر در این باره گفت: جشنواره فیلم فجر نیاز به چارچوب و اصول و قاعده کلی دارد و تغییر دبیران و مدیران سینمایی نباید باعث تغییر در قواعد برگزازی جشنواره فیلم فجر شود؛ این اتفاق بسیار بد است که با تغییر دبیران و مدیران سینمایی اصول برگزاری جشنواره زیر سؤال می‌رود و هر کس بر اساس میل و سلیقه شخصی خود بخش‌های مختلفی به جشنواره حذف یا اضافه کرده یا تعداد فیلم‌ها را کاهش یا افزایش می‌دهد. این اتفاقات باعث می‌شود تا اعتبار جشنواره فجر زیر سؤال برود و من امیدوارم تدبیری فوری از سوی کارشناسان، مدیران و نادارد و این اتفاق باعث شده تا جشنواره از

سیاستگذاران سینما برای برطرف شدن این معضل اندیشه‌شود.جشنواره فیلم فجر نسبت به سال‌های ابتدایی برگزازی‌اش تغییرات زیادی کرده‌است.به‌عنوان مثال جشنواره در دوران گذشته باعث ایجاد انگیزه و نشاط میان اهالی سینمای شد؛اما در سال‌های اخیر برخلاف دوران ابتدایی برگزازی‌اش موجب تفرقه میان اهالی سینما شده که البته این اتفاق هم از کلیت جامعه‌نشسته می‌گیرد.

**حرم‌ت‌ها در سینما از بین رفته‌است!**

جهانگیر میرشکاری صدابردار پیشکسوت سینمای ایران و برنده پنج سیمرغ بلورین از جشنواره فیلم فجر در این باره گفت: طی سال‌های اخیر جشنواره فجر آج و قرب خود را از دست داده‌و به همین علت دیگر شوقی برای حضور در این رویداد ندارم؛ این جشنواره‌ای که ما امروزه شاهد آن هستیم هیچ نشانی از اعتبار جشنواره فجر در سال‌های ابتدایی برگزاری‌اش ندارد و علاوه بر سینماگران، حتی اشتیاق مردم هم برای حضور در این رویداد بسیار کم‌رنگ‌تر از گذشته شده‌است. یکی از دلایل افت جشنواره و به‌طور کل سینمای ایران فیلم‌های بسیار ضعیف و کبی شده از یکدیگرند که دیگر هیچ شوقی برای مخاطب باقی نمی‌گذارند.

**آبنار:از انجمن منتقدان گلایه دارم!**

از سویی دیگر پرویز آبنار صدابردار و صداگذار پیشکسوت سینما و برنده سه سیمرغ بلورین از جشنواره فیلم فجر عنوان کرد: در سال‌های اخیر لابی‌گری و جناح‌بندی‌های متعدد تأثیرات منفی زیادی روی جشنواره فیلم فجر گذاشته‌است به نحوی که هیچ یک از معیارهایی که سال‌ها قبل در جشنواره رعایت می‌شد در جشنواره‌های فعلی وجود ندارد و این اتفاق باعث شده تا جشنواره از

حالت ایده‌آل فاصله بگیرد. جشنواره فجر مدت‌هاست بیشتر جنبه نمایشی به خود گرفته‌و در آن نوعی خودنمایی دیده‌می‌شود و این اتفاق بسیار بد و ناراحت‌کننده‌است.

**هویت جشنواره مخدوش شده‌است**

پروانه معصومی بازیگر پیشکسوت سینما و برنده جایزه بهترین بازیگر نقش اول زن در دو دوره جشنواره فیلم فجر گفت: برخی مسئولان سال‌هاست روی اهداف اصلی و ارزشمند جشنواره فیلم فجر برده‌شده‌اند به نحوی که دیگر هیچ نشانی از آنچه باعث تولید و شگوفایی جشنواره شد در این رویداد مشاهده نمی‌شود.هویت این مهم‌ترین رویداد سینمایی کشور دچار خدشه‌فراوان شده‌است. متأسفانه برخی افراد که عنوان هنرمند را با خود به یک‌می‌کنند نیز دیگر به‌اصل سینما و هنر فکر نمی‌کنند و در ایام برگزاری جشنواره فقط به‌فکر این هستند که چه‌لیبه‌پوشند و برای عکاس‌ها چطور فیکور بگیرند و چطور راه

بروند تادر چشم‌باشند!

**ضعف سینمای کودک**

ابراهیم فروزش کارگردان سینما و برنده دو جایزه از دوره‌های ابتدایی جشنواره فیلم فجر درباره جشنواره عنوان کرد: بنده به‌رغم اینکه در سال‌های ابتدایی برگزاری جشنواره فیلم فجر چند دوره داور این رویداد بوده‌ام و فیلم‌هایم نیز در این جشنواره شرکت می‌کردند، به دلیل برخی مسائل پیش آمده در این رویداد، سال‌هاست در جشنواره فیلم فجر حضور پیدا نمی‌کنم. فارغ از نگاه‌های سیاسی و جناحی و اتفاقاتی که در جشنواره می‌افتد مسئله شلوفی بیش از حد سینمایمان متعلق به جشنواره و هرج و مرج و بی‌نظمی باعث می‌شود تا عطای حضور در این رویداد را به نقایش ببخشم.



**معصومه طاهری**

رومیکو تاکاهاشی هنرمند ژاپنی به‌ملکه مانگای جهان شهرت دارد. مانگاهای وی در سراسر جهان محبوب هستند. تاکاهاشی خالق مانگای معروف اینویاشا و رانما ۱/۲ است. اولین موفقیت این بانوی مانگا در توکیو نسخه‌رنگی و کامل اثر ارووسی یاتسورا (الامو) بود که او را بر سرر زبان‌ها انداخت.

نشریات کار تونی است که در کشور ژاپن رونق فراوانی دارد و از دهه ۱۹۵۰ به بعد شروع به گسترش کرد.

کلمه مانگا را می‌توان به معنی «تصاویر طنزآمیز» ترجمه کرد و مشخصه بارز آن شخصیت‌های کارتونی‌اند کاراکترها متمایز می‌شوند، همانند اغراق بیش از حد در اندام‌های بدن که در اکثریت آنها چشم‌های بزرگ به‌همراه دهان و بینی کوچک مشاهده می‌شود و

همچنین معمولاً دارای موهایی با رنگ‌های غیرطبیعی هستند. جالب‌محبوبیتی است که این شخصیت‌ها بین مردم پیدا کرده‌اند به‌طوری که بیشتر انتشارات ژاپن اختصاص به مجلات کمیک استریپ پیدا کرده‌اند و مانگا توسط بسیاری از مردم کشور ژاپن خوانده می‌شود و محدود به طیف خاصی از اجتماع ژاپن نمی‌شود. شخصیت‌های مانگا معمولاً بیش از اندازه از خود احساسات اغراق‌آمیز نشان می‌دهند، هنگامی که شخصیتری گر می‌کند، اشک‌هایش می‌توانند سطلی را پر از آب کند؛ زمانی که می‌خندد، دهان آنها به اندازه چهره‌شان بزرگ شده و چشمانشان به صورت خطی صاف درمی‌آید، هنگام عصیانیت صورت آنها سرخ‌شده و بخار از سراسر بدن به ویژه سر آنها بیرون می‌زند و هنگام خجالت‌زدگی گونه‌هایشان به رنگ سرخ در می‌آید.

اسم رومیکو تاکاهاشی با اختلاف زیاد در بین هنرمندان ژاپنی طنین انداز و شاخص است برای همین تعجبی نداشت که در سال ۲۰۱۹ در سالن بزرگ آنگولیماي اسانس بدون اینکه به‌هیچ‌وجه مجبور کنید، کار می‌کنم بی‌نوعی به‌مهلت‌ها و قرارهای کاری هم احترام می‌گذارم. این طراح مانگا درباره اینکه بیشتر کمدهی‌هایش مشاقتنه است توضیح می‌دهد: حتی وقتی داستان‌های جدی می‌سازم، مفهوم عشق و عاشقی را باهم ادغام می‌کنم چون برای من عشق و طنز یکی از انتخاب‌کنم، همگرا و اولویت دارد. اما بااین حال هر دو برای من ضروری و لازم به نظر می‌رسند تا قدرت اثر گذاری داشته باشند.



رومیکو تاکاهاشی طراح مانگای نامدار ژاپنی:

### من با «مانگا» زندگی می‌کنم و نفس می‌کشم

کار می‌کنم، رومیکو دختر یک پزشک و کوچک‌ترین فرد خانواده‌است و نقلاتی را از کودکی و جوهر هندی پدرش آموخته‌است. او قبل از ورود به کالج، مانگا کار می‌کرد و آنها را برای مجلات Shonen و Garo می‌فرستاد. تاکاهاشی در پاسخ به این سؤال که چه چیزی باعث شد تا شما مانگا کار کنید؟ می‌گوید: در کودکی مانگا زیادی خوانده‌ام، طوری که شما می‌توانید بگویید که من در مانگا شننا کردم، بنابراین خیلی عادی بود مانگا کار کنم و این ورود من از روی اتفاق نبود، بلکه با مطالعه زیاد و علاقه به آن گرایش پیدا کردم. کار امروز من دنبال آن کارهایی است که در جوانی مکرراً انجام می‌دادم به‌طور کلی، آنچه من را علاقه‌مند به مانگا می‌کند، توجه به اصطلاحاتی است که برای همه مخاطبان قابل فهم باشد. من دوست دارم خوانندگان را از طریق فرهنگ عمومی مرتبط با مانگا به چالش بکشانم.

وی درباره تأثیر پذیری برای خلق مانگا اینگونه توضیح می‌دهد: بیشتر از اینکه یک اثر تحت تأثیر قرار بدهد، ترجیح می‌دهم به نویسندگانی که افراد اساسی در جهان مانگا هستند و آثار خلق می‌کنند استاد داشته باشم، یعنی آسامو تسوگو، فوجیو آکاسوگا و فوجیکو فوجیو.

اینها بزرگ‌ترین تأثیرات را بر من و کارهایم داشته‌اند. وقتی از او سؤال می‌شود آیا می‌دانید که خود شما هم بر نویسندگان و هنرمندان جوان بسیار مؤثر هستید می‌گوید: من نمی‌توانم خودم را در همان سطحی قرار دهم که سه نویسنده‌ای که بالا ذکر کردم هستند. آنها به نوعی خدایان مانگا هستند. فقط خوشحالم که در همان دنیا مانند آنها هستم که بتوانم به عنوان مانگا کار کنم. تاکاهاشی درباره اینکه معروف است که او همیشه تالیلهای خود را در موقع تحویل می‌دهد عنوان می‌کند: مهم‌تر از همه باید توجه داشت که مانگا جزء لاینفک زندگی من است. من مانگا را زندگی می‌کنم و با آن نفس می‌کشم. زندگی روزانه من توسط مانگا تسخیر شده و این اولویت اصلی من است. همچنین عاشق طراحی و خلق داستان هستم، بر همین اساس بدون اینکه به‌هیچ‌وجه مجبور کنید، کار می‌کنم بی‌نوعی به‌مهلت‌ها و قرارهای کاری هم احترام می‌گذارم. این طراح مانگا درباره اینکه بیشتر کمدهی‌هایش مشاقتنه است توضیح می‌دهد: حتی وقتی داستان‌های جدی می‌سازم، مفهوم عشق و عاشقی را باهم ادغام می‌کنم چون برای من عشق و طنز یکی از انتخاب‌کنم، همگرا و اولویت دارد. اما بااین حال هر دو برای من ضروری و لازم به نظر می‌رسند تا قدرت اثر گذاری داشته باشند.



به دلیل جلوگیری از شیوع کرونا

## بزرگ‌ترین نمایشگاه گردشگری جهان پس از ۵۴ سال لغو شد

سلامت شرکت‌کنندگان را تضمین کنند اما از آنجا که شرکت‌کنندگان از کشورهای بسیاری در یک بازه زمانی کوتاه به نمایشگاه می‌آمدند متولیان ترجیح دادند تا برای سلامت شهروندان آلمانی و شرکت‌کنندگان امسال این نمایشگاه را به رغم خسارت‌های فراوان دولت‌ها و کشور آلمان برگزار نکنند. سایت نمایشگاه گردشگری برلین چند ساعت پیش اعلام کرده بود که ساعت ۲۰ امب ۲۸ فوریه تصمیم‌گیری برای لغو یا ادامه برگزاری نمایشگاه را اتخاذ شد. در نهایت در بیانیه‌ای نوشت: «بر اساس تصمیم دولت فدرال آلمان این نمایشگاه برای اولین بار در تاریخ گردشگری جهان برگزار نخواهد شد.»

چین، ایران، ایتالیا و کره جنوبی از نظر برگزائر کنندگان این نمایشگاه جزو کشورهایی بودند که دارای ریسک بیشتری برای شرکت در نمایشگاه بودند از ایران نیز نسبت به اهالی شهر قم این حساسیت را داشتند به نحوی که اسم این استان نیز در فهرست نمایشگاه آورده شده‌است. مسئولان نمایشگاه برلین پیش از این اعلام کرده بودند که شرکت‌کنندگان از این کشورها باید هنگام ورود به آلمان کارت سلامت داشته باشند و ممکن است هنگام ورود از آنها سؤالاتی شود.

## خاطرات یک ایرانی از «محاصره ساریو» منتشر شد

کتاب «محاصره ساریو» نوشته کاوه ذاکری، اولین کتاب خاطرات و روایتگری یک نیروی مستشار ایرانی از فعالیت‌های ایران در جنگ بوسنی و هرزگوین حد فاصل سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۵ میلادی از سوی انتشارات سوره مهر منتشر شد. به گزارش مهر، کاوه ذاکری در این کتاب، تحقیق دقیقی ارائه داده‌است از چگونگی مسیر و مراحل جنگ و قرارداد صلح دیتون که منجر به پایان جنگ شد. ذاکری که مدرس تخریب و انفجار بوده، در بوسنی، نظامیان و داوطلبان مردمی را باجوه خشتی کردن مین‌هاو تله‌های انفجاری آشنا می‌کرده‌است. او در کنار این آموزش‌ها به کمک‌سانی و توزیع اقلام ضروری زندگی در میان مردم جنگ‌زده بوسنی آمدند و همه جمعیت را باخودشان بردند.»

کتاب «محاصره ساریو» نوشته کاوه ذاکری، اولین کتاب خاطرات و روایتگری یک نیروی مستشار ایرانی از فعالیت‌های ایران در جنگ بوسنی و هرزگوین حد فاصل سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۵ میلادی از سوی انتشارات سوره مهر منتشر شد. به گزارش مهر، کاوه ذاکری در این کتاب، تحقیق دقیقی ارائه داده‌است از چگونگی مسیر و مراحل جنگ و قرارداد صلح دیتون که منجر به پایان جنگ شد. ذاکری که مدرس تخریب و انفجار بوده، در بوسنی، نظامیان و داوطلبان مردمی را باجوه خشتی کردن مین‌هاو تله‌های انفجاری آشنا می‌کرده‌است. او در کنار این آموزش‌ها به کمک‌سانی و توزیع اقلام ضروری زندگی در میان مردم جنگ‌زده بوسنی آمدند و همه جمعیت را باخودشان بردند.»

«پانصد صندلی خالی» روانه بازار شد

## یادداشت‌های روزانه یک زن سوری از ۳ سال محاصره الفوعه

روستای شیعه‌نشین کفریا الفوعه که ساکنانش مردم عادی زنان و کودکان بی دفاع بودند.

روز نوشت‌هایی از قلب محاصره، خاطراتی بین مرگ و زندگی

و لحظات دست و پنجه نرم کردن با گرسنگی و مرگ مردمی که یکباره با سقوط ادلب به محاصره افتاده بودند و حالا گزران زندگی برای آنها دیگر شبیه سابق نبود. یادداشت‌های محاصره به قلم زنی از الفوعه نگاشته شده‌است. لیلی علام‌الدین اسود معلم روستای الفوعه است که با دو دختر و همسرش در روزهای سخت محاصره در الفوعه زندگی می‌کند. آنچه جهان خارج از الفوعه و کفریا از این محاصره سنگین سه ساله می‌داند چیزی جز کلیات نیست و تقریباً می‌توان گفت تنها نوشته‌هایی که از جزئیات محاصره سه ساله این دو منطقه شیعه‌نشین وجود دارد، همین روز نوشت‌هاست. یادداشت‌هایی که جزئیات و لحظه به لحظه بیم و امید این مردم را مجسم می‌کند.

شاید بتوان گفت یادداشت‌های محاصره نوع کم‌سپه‌ای از نوشته‌های مقاومت است و شاید نسخه‌های شبیه آن را نتوان به‌وفور پیدا کرد، چراکه لازمه خلق آثاری از این دست زیست

در وسط محاصره و از طرفی توانایی نگارش است و از آنجا که این شرایط معمولاً شرایط عادی نیست آثاری از این دست نیز آثار معدودی هستند و شاید بتوان گفت یادداشت‌های محاصره یکی از بهترین نمونه‌های این روز نوشت‌هاست. آنچه در یادداشت‌های محاصره می‌بینیم، فقط روایت سه سال محاصره کامل و بیم و امید و گرسنگی و سایه مرگ بالای سر ملتی در محاصره کیلومترها دورتر از ایران نیست. یادداشت‌های محاصره یک قسمت از تاریخ است؛ قسمتی در دناک و سخت از تاریخ پرفراز و نشیب شیعه!

در قسمتی از کتاب می‌خوانیم:

«همه از خانه‌ها وحشت زده بیرون زدیم. همه از همسایه‌ها سؤال می‌پریدیم «چه خبر شده؟» ادلب چه خبر؟» بعد فهمیدیم از نش تا مرکز استان ادلب عقب‌نشینی کرده، نیروهای امنیتی هم تا شهر «مسطومه» عقب کشیده‌اند و چند روز بعد تا «اریحا» عقب می‌زنند و عقب‌تر و ناامیدی به جان ما چنگ می‌انداخت باز هم عقب‌تر. دست آخر تا «حورین» هم از نش عقب‌نشینی کرد. حالا ما مانده بودیم و ما بین وحشت و ناآواری، گوشه‌خانه‌هایمان کز کرده